

اجرای علنی حدود از نظر فقه و قانون

اسماعیل آقابابائی بنی*

چکیده

ظاهر آیه شریفه «وَلْيَشْهَدْ عَذَابَهُمَا طَائِفَةٌ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ» (نور: ۲) لزوم علنی بودن اجرای حد در جرم زناست. با این حال، در تسری آن به جرائم حدی دیگر اختلاف هست. با توجه به مضاعف شدن مجازات علنی، اصل عدم ولایت و نبود دلیل کافی می‌توان گفت علنی اجراء شدن حد به زنا اختصاص دارد. همچنین در جرم یادشده، نظریه استحباب حضور می‌تواند مبنای قانونگذاری قرار گیرد. علاوه بر این، بر فرض وجوب حضور مردم، لازم است به حداقل مقداری که علن را محقق می‌کند اکتفا کرد و اعلام عمومی و رسانه‌ای کردن مجازات مبنای فقهی ندارد.

از نظر قانونی، قانون مجازات اسلامی جدید براساس لزوم تفسیر مضیق، با دیدگاه منع از اجرای علنی حدود سازگاری بیشتری دارد و چه بسا بتوان گفت قانونگذار از بین آرای مخالف و موافق در اجرای حد، نظریه عدم جواز اجرای علنی حدود را برگزیده و با مسکوت گذاشتن آن پس از تصریح بر علنی بودن اجرای حد در مقررات سابق، در مقام تقویت و پذیرش نظریه مخالف با اجرای علنی حدود بوده است.

کلیدواژه‌ها

اجرای حد، مجازات مضاعف، کیفرهای شرعی، تفسیر مضیق، حقوق متهم.



مقدمه

پس از انقلاب اسلامی، قوانین کیفری دچار تحول اساسی شد و بسیاری از کیفرها و سیاست‌های کیفری مقرر در شرع از جمله حدود و نحوه اجرای آن، به مقررات راه یافت. از نخستین مقررات در این زمینه می‌توان از قانون حدود و قصاص و مقررات آن (مصوب ۳ شهریور ۱۳۶۱) نام برد. قانونگذار در ماده ۱۱۴ این قانون، حضور شاهد، حاکم و مردم را در مجازات رجم پیش‌بینی کرده ولی در جرائم حدی دیگر، حضور یا عدم حضور مردم را مسکوت گذاشته بود.

در بازنگری قانون مذکور در سال ۱۳۷۰، ماده ۹۹ قانون مجازات اسلامی با اندکی تغییر، همان عبارت قبلی را متن قانون قرار داد و همانند قانون قبل، در غیر رجم، حضور یا عدم حضور مردم را مسکوت گذاشت.

در نهایت، در بازنگری قانون مجازات در سال ۱۳۹۲، به رجم پیش‌بینی مجازات رجم، در ماده ۲۲۵ از عدم امکان اجرای رجم سخن گفت و با اظهار تمایل به حذف کیفر رجم از قوانین کیفری، حضور یا عدم حضور مردم در اجرای آن را مسکوت نهاد؛ در حالی که قبلاً از حضور مردم سخن می‌گفت.

رویکرد قانونگذار طی چند دوره قانونگذاری و مباحث فقهی‌ای که در اجرای حدود مطرح است، پرسش‌هایی را به شرح زیر مطرح می‌سازد:

الف. آیا اجرای علنی حد به لحاظ فقهی به حد زنا اختصاص دارد یا در حدود دیگر نیز اجرای حد علنی ممکن است؟

ب. آیات و روایات تا چه حد با لزوم علنی بودن اجرای حد همراهی می‌کند؟

ج. معیار تحقق علنی بودن حد چیست؟

د. با توجه به حذف علنی بودن اجرای حد در رجم و مسکوت نهادن آن در حدود دیگر در سال ۱۳۹۲، آیا رویکرد مذکور به معنای عدم جواز اجرای علنی حد

است یا کماکان اجرای علنی حد منع قانونی ندارد؟

تاکنون مباحث کافی راجع به سه پرسش نخست صورت گرفته است، ولی با توجه



فقه

به تغییر قانون، پرسش اخیر همچنان جای بحث دارد. این نوشته می‌کوشد ضمن بهره‌گیری از سوابق پژوهشی موجود و پرهیز از تکرار مباحث، میزان تطبیق نظریه غیرعلنی بودن حدود با قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ را با توجه به تصویب آن پس از چند دوره قانونگذاری و تغییراتی که حاکی از تغییر رویکرد قانونگذار است، بررسی و در حد امکان، مباحث جدیدی در این باره مطرح کند.

به نظر می‌رسد از آنجا که علنی بودن اجرای مجازات، کیفر مضاعف به‌شمار می‌آید، قانون را باید به نفع متهم تفسیر و عدم جواز قانونی اجرای علنی حدود را مطابق با رویکرد قانون به‌شمار آورد. به بیان دیگر، می‌توان گفت قانونگذار از بین آرای مخالف و موافق در اجرای حد، نظریه عدم جواز اجرای علنی حدود را برگزیده و با مسکوت گذاشتن آن پس از تصریح بر علنی بودن اجرای حد در مقررات سابق، در مقام تقویت و پذیرش نظریه مخالف با اجرای علنی حدود بوده است.

برای بررسی دیدگاه یادشده، نخست مستندات علنی بودن اجرای حد را از نظر فقهی گزارش می‌کنیم. آنگاه میزان اعتبار مستندات یادشده و سپس اختیاری یا الزامی بودن علنی سازی را از نظر فقه مطرح می‌کنیم. در ادامه پس از بیان معیار تحقق علنی بودن اجرای حد، ضمن بهره‌گیری از مطالب مطرح شده در تفسیر قانون، برخی قواعد حاکم بر قوانین را بررسی می‌کنیم و برداشت خود از قانون مجازات اسلامی را ارائه می‌دهیم. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری در بخش پایانی مقاله خواهد بود.

۱. مستندات اجرای علنی حدود

برای لزوم یا جواز علنی بودن اجرای حدود به ادله مختلفی اعم از قرآن، سنت و اجماع استناد شده است:

۱-۱. قرآن

یکی از ادله قرآنی، آیه شریفه «الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ... وَلْيَشْهَدْ عَذَابُهُمَا طَائِفَةٌ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ» (نور: ۲) است. این آیه در جرم زنا علنی بودن مجازات



را مطرح کرده است. در تبیین نحوه سرایت این آیه شریفه به حدود دیگر آورده‌اند:
الف.

اصولاً مشی فقها و روش متون فقهی بر این بوده است که بسیاری از احکام مشترک حدود را فقط در حد زنا بحث کرده و در ابواب دیگر متعرض آن نشده‌اند؛ مثل تأخیر در اجرای حد، ضغث، ارتکاب جرم مستوجب حد در زمان یا مکان مقدس، عدم اجرای حد در سرزمین دشمن، عدم کفالت و شفاعت در حد و غیر آن که این امر مؤید نظر بالا است. به عبارت دیگر، بانفی خصوصیت از حد زنا این حکم را به سایر ابواب حد تسری می‌دهند (فتحی، ۱۳۸۱: ص ۱۰۱).

حتی برخی در تبیین آیه یادشده این نکته را آورده‌اند:

در همین آیه هم، حد در مورد زنا غیر محصنه است اما فقها بحث آن را در زنا محصنه مطرح کرده‌اند. فقها تحت عنوان جنبه بازدارندگی، مبارزه با فساد، مصلحت عمومی، اجرای عدالت و... اجرای حد را علنی بیان کرده‌اند و این بحث را لازم ندیدند که در جای دیگر تکرار کنند (کعبی، ۱۳۸۰: ص ۱۵).

ب. لازمه برخی مجازات‌های حدی مثل صلب و تبعید، علنی بودن است (حاجی حسینی، ۱۳۹۴: ص ۷۷؛ فتحی، ۱۳۸۱: ص ۱۰۲) و فقیهان در نحوه اجرای تبعید بر اعلام حاکم مبنی بر هم‌غذا و هم‌مجلس نشدن و معامله نکردن با فرد تبعیدی تأکید کرده‌اند (برای نمونه ر.ک: صاحب جواهر، ۱۴۰۴ق: ص ۵۹۲).

۲-۱. درخواست مردم برای افزایش حد

در روایتی در مقام بیان چگونگی اجرای حد توسط پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده است: «كَانَ يَضْرِبُ بِالنَّعَالِ، وَ يَزِيدُ كُلَّمَا أَتَى بِالشَّارِبِ، ثُمَّ لَمْ يَزَلِ النَّاسُ يَزِيدُونَ حَتَّى وَقَفَ عَلَى ثَمَانِينَ، أَشَارَ بِدَلِكِ عَلَى عليه السلام عَلَى عُمَرَ فَرَضِيَ بِهَا» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۸: ص ۲۲۱). اینکه به درخواست مردم، تعداد شلاق‌ها افزایش می‌یافت تا به هشتاد ضربه شلاق رسید، حاکی از حضور مردم در اجرای حد شرب خمر است. از آنجا که شرب خمر خصوصیتی ندارد، می‌توان علنی بودن اجرای حد در موارد دیگر را هم استظهار کرد.



فقه

۳-۱. گریه حضرت امیر علیه السلام و اصحاب ایشان با دیدن صحنه حد

طبق نقلی، در جرم لواط، شخصی پس از چهار بار اقرار و درخواست اجرای حد، سوزاندن با آتش را انتخاب می کند و حضرت امیر علیه السلام و اصحاب شان با دیدن این صحنه گریه می کنند (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۸: ص ۱۶۲).

استدلال کنندگان به روایت، گریه حضرت علیه السلام و اصحاب در صحنه اجرای حد را دلیل بر علنی بودن به شمار آورده اند.

۴-۱. روایت میثم

یکی دیگر از مستندات، روایت میثم است. طبق این روایت، زنی اقرار به جرم حدی کرده و به درخواست حضرت امیر علیه السلام از مردم دعوت می شود درحالی که پوشش بر صورت دارند و کسی قادر به شناخت دیگری نیست، برای اجرای حد حاضر شوند.^۱

۵-۱. دعوت مردم به محل اجرای حد به شرط ناشناس آمدن

روایتی نیز هست که در آن مردی چهار بار به ارتکاب زنا اقرار می کند و منادی از مردم می خواهد که پوشیده و ناشناس برای اجرای حد بیایند.^۲

۱. طبق این روایت، پس از آنکه به رغم مخالفت های حضرت امیر علیه السلام زنی چهار بار به جرم حدی اقرار می کند، حضرت علیه السلام رو به آسمان کرده و می فرماید: «اللَّهُمَّ إِنَّهُ قَدْ تَبَيَّنَ لَكَ عَلَيْهَا أَرْبَعُ شَهَادَاتٍ وَ إِنَّكَ قَدْ قُلْتَ لِنَبِيِّكَ ﷺ فِيمَا أُخْبِرُوهُ مِنْ دِينِكَ يَا مُحَمَّدُ مَنْ عَطَلَ حَدًّا مِنْ حُدُودِي فَقَدْ عَانَدَنِي وَ طَلَبَ بِذَلِكَ مُضَادَّتِي اللَّهُمَّ وَ إِنِّي عُيُوبُ مُعْطَلِ حُدُودِكَ وَ لَا طَالِبَ مُضَادَّتِكَ وَ لَا مُضَيِّعَ لِأَحْكَامِكَ بَلْ مُطِيعٌ لَكَ وَ مُسْتَعِ شَهَّةُ نَبِيِّكَ». آنگاه از قنبر می خواهند که مردم را به شرط ناشناس حاضر شدن برای اجرای حد فرا بخواند. قنبر خطاب به مردم می گوید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ إِمَامَكُمْ خَارِجٌ بِهَذِهِ الْمَوَازِءِ إِلَى هَذَا الظُّهْرِ لِيَقِيمَ عَلَيْهَا الْحَدَّ إِنْ شَاءَ اللَّهُ فَعَزَمَ عَلَيْكُمْ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ إِلَّا حَرَجْتُمْ وَ أَنْتُمْ مُتَنَكِّرُونَ وَ مَعَكُمْ أَصْحَابُكُمْ لَا يَتَعَرَّفُونَ مِنْكُمْ أَحَدٌ إِلَى أَحَدٍ حَتَّى تَنْصَرِفُوا إِلَى مَنَارِلِكُمْ إِنْ شَاءَ اللَّهُ». سپس حضرت علیه السلام پس از مهیا ساختن مقدمات اجرای حد با صوت بلند می فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى عَهْدَ إِلَى رَسُولِهِ ﷺ عَهْدًا عَهْدَهُ مُحَمَّدٌ ﷺ إِلَى بَائِهِ لَا يَقِيمُ الْحَدَّ مَنْ لِيَهُ عَلَيْهِ حَدٌّ فَمَنْ كَانَ لِيَهُ عَلَيْهِ حَدٌّ مِثْلُ مَا لَهُ عَلَيْهَا فَلَا يَقِيمُ عَلَيْهَا الْحَدَّ». در ادامه روایت از انصراف مردم سخن به میان آمده است (شیخ طوسی، ۱۴۰۷ق «ب»، ج ۱۰: ص ۹).

۲. متن این روایت چنین است: «أَتَى أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ بِرَجُلٍ قَدْ أَقْرَ عَلَى نَفْسِهِ بِالْمُجَوْرِ فَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ لِأَصْحَابِهِ اغْدُوا عَلَيَّ غَدًا مُتَلَتِّمِينَ فَعَدُّوا عَلَيْهِ مُتَلَتِّمِينَ فَقَالَ مَنْ فَعَلَ مِثْلَ مَا فَعَلَهُ فَلَا يَزُجِمُهُ وَ لِيَنْصَرِفَ قَالَ فَأَنْصَرَفَ بَعْضُهُمْ وَ بَقِيَ بَعْضٌ فَرَجِمَهُ مَنْ بَقِيَ مِنْهُمْ» (شیخ طوسی، ۱۴۰۷ق «ب»: ص ۱۱).





۶-۱. دعوت عیسی علیه السلام به حضور مردم در محل اجرای حد به نقل از امام صادق علیه السلام

در روایت دیگری که ظاهراً بر اجرای علنی حد دلالت دارد آمده است:

قَالَ الصَّادِقُ علیه السلام إِنَّ رَجُلًا جَاءَ إِلَى عِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ علیه السلام فَقَالَ: يَا رُوحَ اللَّهِ إِنِّي رَزَيْتُ فَطَهَّرْنِي، فَأَمَرَ عِيسَى علیه السلام أَنْ يُنَادِيَ فِي النَّاسِ أَنْ لَا يَبْقَى أَحَدٌ إِلَّا خَرَجَ لِتَطْهِيرِ فُلَانٍ، فَلَمَّا اجْتَمَعَ النَّاسُ وَصَارَ الرَّجُلُ فِي الْحَفِيرَةِ، نَادَى الرَّجُلُ لَا يُحَدِّثْنِي مَنْ لِلَّهِ فِي جَنْبِهِ حَدٌّ فَانْصَرَفَ النَّاسُ كُلُّهُمْ إِلَّا يُحْيَى وَعِيسَى علیه السلام ... الْحَدِيثُ (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۸: ص ۵۶).

۷-۱. وجود عبارت «فقال للناس» در روایت نقل شده از امام صادق علیه السلام

در نقلی از امام صادق علیه السلام آمده است:

وَجِدَ رَجُلًا مَعَ رَجُلٍ فِي إِمَارَةِ عُمَرَ، فَهَزَبَ أَحَدُهُمَا وَأَخَذَ الْآخَرَ، فَجِئَ بِهِ إِلَى عُمَرَ فَقَالَ لِلنَّاسِ، مَا تَرَوْنَ فِي هَذَا فَقَالَ هَذَا اضْنَعُ كَذَا، وَقَالَ هَذَا اضْنَعُ كَذَا، قَالَ فَمَا تَقُولُ يَا أَبَا الْحَسَنِ، قَالَ اضْرِبْ عُنُقَهُ فَضْرَبَ عُنُقَهُ، قَالَ ثُمَّ أَرَادَ أَنْ يَحْمِلَهُ، فَقَالَ مَهْ إِنَّهُ قَدْ بَقِيَ مِنْ حُدُودِهِ شَيْءٌ، قَالَ أَيُّ شَيْءٍ بَقِيَ قَالَ ادْعُ بِحَطْبٍ، فَدَعَا عُمَرَ بِحَطْبٍ فَأَمَرَ بِهِ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام فَأُحْرِقَ بِهِ (همان: ص ۱۵۸).

استدلال کنندگان به روایت، از عبارت «فقال للناس» چنین برداشت کرده‌اند که مردم

در محل اجرای حد حضور داشته‌اند (روحانی‌مقدم، ۱۳۸۴: ص ۹۱).

از جمع ادله یادشده می‌توان به این نکته دست یافت که آیه شریفه، روایات و سیره عملی‌ای که از برخی نقل‌ها به دست می‌آید، از علنی بودن اجرای حدود حکایت دارد؛ هر چند در وجوب یا جواز آن اختلاف هست و در مباحث بعدی از آن سخن خواهیم گفت.

۲. دلایل ممنوعیت اجرای علنی حد

دلایل طرفداران ممنوعیت اجرای علنی حدود را می‌توان در دو دسته نقد ادله مخالفان و اقامه دلیل بر منع خلاصه کرد.

۱-۲. نقد ادله مخالفان

مهم‌ترین دلیل بر اجرای علنی حد، به شرحی که گذشت، آیه شریفه است. این آیه فقط در جرم زنا علنی بودن حد را بیان کرده است. در اینکه علنی بودن به جرم مذکور در آیه اختصاص دارد یا در همه حدود جاری است، برخی آورده‌اند: «بحث اعلان به مردم و حضور عده‌ای فقط در باب حد زنا مطرح است و در سایر حدود چنین فرمانی نرسیده است. بنابراین تعمیم آن به سایر حدود و تعزیرات دلیل می‌خواهد» (روحانی‌مقدم، ۱۳۸۴: ص ۹۳؛ ر.ک: فتحی، ۱۳۸۱: ص ۱۰۱، به نقل از: قربان‌نیا، ۱۳۸۰: ص ۶۳). همچنین، در پاسخ به دلایل بخش پیشین، که برای سرایت علنی بودن به حدود دیگر آورده‌اند، می‌توان گفت: بحث کردن از قواعد حاکم بر حدود در بحث زنا نمی‌تواند به معنای تسری همه این قواعد از جمله علنی بودن به جرائم حدی دیگر باشد. به بیان دیگر، قواعدی چون عدم تأخیر در اجرای حد و موارد دیگری که در کلام ناقد فوق آمده است، از روایاتی برگرفته شده‌اند که بر اختصاص آن قواعد به جرم خاص تصریح ندارند؛ برخلاف علنی بودن که تنها در جرم زنا مطرح شده و تسری دادن آن به حدود دیگر نیازمند دلیل است. تسامح فقیهان در بیان اختصاص علنی بودن به جرم زنا نیز دلیل بر شیوه ایشان و عنایت‌شان به تسری نمی‌شود، بلکه تسری دادن علنی بودن به جرائم حدی دیگر نیازمند دلیل است و تا زمانی که این دلیل به دست نیاید، تسری دادن و استناد آن به فقیهان، مستند کافی به شمار نمی‌آید.

همچنین، مجازات صلب و تبعید هم دلیل کافی به شمار نمی‌آید، زیرا ماهیت این جرائم به گونه‌ای است که در غیر علن اجراشدنی نیست و مجازات‌های حدی دیگری که قابلیت اجرا در غیر علن را دارند، نباید به آن دو قیاس گردد.^۱ چه‌بسا بتوان گفت در مجازات رجم نیز چون کشته شدن بر اثر سنگ زدن مطرح است و عملاً با سنگ زدن یک یا دو نفر این هدف برآورده نمی‌شود، اقتضای رجم نیز علنی بودن آن است.

۱. این در حالی است که حتی در به‌صلیب کشیدن هم برخی معتقدند دلیلی بر حضور مردم حین اجرا نداریم (حسینی اشکوری و دارابی، ۱۳۹۳: ص ۳۹).





از این رو، این سخن که «اجرای علنی مجازات به حد زنا اختصاص ندارد» (فتحی، ۱۳۸۱: ص ۱۰۲) قابل نقد است و تا زمانی که بر علنی بودن در جرائم حدی دیگر دلیل کافی نباشد، سخن صواب آن است که اجرای علنی به استناد آیه شریفه «وَلْيَشْهَدْ عَذَابَهُمَا طَائِفَةٌ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ» (نور: ۲) اختصاص به زنا دارد.

پس از روشن شدن اختصاص اجرای علنی حد به زنا به شرح بالا، در پاسخ به سایر مستندات که برای اجرای علنی حد آورده اند گفتنی است:

از روایات مورد استناد، روایت نخست بر تعداد تازیانه در شرب خمر دلالت دارد و درخواست مردم برای افزودن تازیانه به معنای حضور آنان در صحنه اجرای حد نیست. نیز ذیل روایت حاکی از آن است که حضرت ﷺ در مقام یادآوری و بیان میزان حد در جرم شرب خمر بوده است نه در مقام بیان اجرای علنی حد شرب خمر.

راجع به روایت دوم می توان گفت: در ادامه روایت از گریه ملائک و بخشیده شدن فرد به سبب توبه سخن به میان آمده و حدی اجرا نشده است تا روایت بر اجرای علنی حد دلالت کند.^۱

همچنین، استناد به روایات سوم و چهارم و پنجم با این اشکال روبه روست که نخست، روایات بالا در اجرای حد زنا وارد شده اند و دلیل بر تسری به جرائم حدی دیگر به شمار نمی روند و دوم، چنان که برخی یادآوری کرده اند، می توان گفت: اصرار بر پوشیده حاضر شدن و اینکه اگر کسی گناهی همچون گناه مرتکب جرم حدی بر گردن دارد، از سنگ زدن خودداری کند حاکی از تنبه دادن حضرت ﷺ به مردم بوده است نه اینکه هدف حضور مردم باشد (ر.ک: مؤمن قمی، ۱۴۲۲ق: ص ۲۸).

به بیان دیگر، در این روایات، جنبه آموزش به مردم و اینکه افرادی که حدی بر گردن دارند نباید مشتاق اجرای حد باشند، معیار است و این روایات بر علنی بودن اجرای حد دلالتی ندارند.

۱. «... فَقَالَ لَهُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ قُمْ يَا هَذَا، فَقَدَ أَبْكَتَتْ مَلَائِكَةُ السَّمَاءِ وَ مَلَائِكَةُ الْأَرْضِ، فَإِنَّ اللَّهَ قَدْ تَابَ عَلَيْكَ، فَكُفِّمْ وَلَا تُعَاوِدُنَّ سَيِّئًا مِمَّا فَعَلْتَ» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۸: ص ۱۶۲).

در نهایت، راجع به مستند قرار گرفتن روایت ششم باید گفت: نخست، شیوهٔ عمّر این بوده که برای نظرخواهی در مورد حد، مردم را جمع می‌کرده است نه برای ملاحظهٔ اجرای حد؛ دوم، در روایت، هیچ قرینه و دلیلی بر دعوت از مردم برای اجرای حد دیده نمی‌شود؛ سوم، بر فرض چشم‌پوشی از دو ایراد یادشده، در امور کیفری - چنان که در جای خود بحث شده است - استناد به یک روایت برای استنباط حکم شرعی مهم کافی نیست.

گذشته از عدم دلالت روایات یادشده،^۱ برخی روایات از کراهت نگاه کردن به اجرای حد حکایت دارند. طبق نقلی، زمانی که حضرت امیر علیه السلام ناظران بر اجرای حد را می‌بینند، می‌فرماید: «قَالَ لَا مَوْجِباً يُوْجُوهُ لَا تُرَى إِلَّا فِي كُلِّ سُوءٍ؛ هُوَ لَا يَفُصِّلُ الرِّجَالِ أَيْطَهُمْ عَنِّي يَا قَتْبُزُّ» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۸: ص ۴۵).

۲-۲. اقامهٔ دلیل بر منع

علاوه بر نقد مستندات موافقان اجرای علنی حدود و استناد به ادله‌ای که حکایت از ناصواب بودن علنی بودن حد دارد، مخالفان اجرای علنی حدود به ادلهٔ عقلی‌ای نظیر وهن دین، مجازات مضاعف بر مجرم و اصل شخصی بودن مجازات‌ها استناد کرده‌اند که در جای خود به تفصیل بحث شده است (برای نمونه ر.ک: حاجی حسینی، ۱۳۹۴: ص ۷۰-۹۱؛ فلاح و چالی بابل، ۱۳۸۶: ص ۲۵۱-۲۶۴).

برخی طرفداران لزوم اجرای علنی حدود علاوه بر استناد به برخی از روایات بالا، این نکته را هم اضافه کرده‌اند که چون در حقوق‌الله جامعه زیان می‌بیند، اصل آن است که حکم باید آشکارا اجرا شود (حاجی حسینی، ۱۳۹۴: ص ۷۵).

به نظر می‌رسد که نخست، اگر حق‌الناس نبودن جرم دلیل بر لزوم اجرای علنی

۱. علاوه بر روایات ذکرشده، روایات دیگری نیز برای استنباط علنی بودن اجرای حدود قابل طرح است. همچنین، برخی از روایات ذکرشده اشکال سندی دارند (برای مطالعهٔ بیشتر، ر.ک: حسینی اشکوری و دارابی، ۱۳۹۳: ص ۳۲-۳۹).





مجازات به‌شمار آید، در تعزیرات هم باید به همین سخن پایبند بود؛ حال آنکه کسی بدان قائل نیست. دوم، از آنجا که علنی شدن کیفر مجازات مضاعف است، نیاز به دلیل دارد؛ نه اینکه اصل بر امکان علنی بودن باشد، مگر دلیل بر خلاف بیاییم. علاوه بر این، اقتضای اصل عدم ولایت آن است که تا دلیل کافی بر امکان علنی بودن مجازات نیاییم، به مقتضای نبود ولایت، علنی سازی مجازات مشروع نخواهد بود (برای مطالعه بیشتر، ر.ک: حسینی اشکوری و دارابی، ۱۳۹۳: ص ۲۷).

بر این اساس می‌توان گفت، مستندات علنی بودن اجرای حد، به جز در جرم زنا کافی نیست و نظریه لزوم غیر علنی بودن اجرای حد ترجیح دارد.^۱ چنان که اشاره شد، در سیره عملی معصومان علیهم‌السلام که در روایات یاد شده منعکس شده نیز نمی‌توان موردی را یافت که از امکان یا لزوم سرایت اجرای علنی حد به غیر زنا حکایت کند.

گویا بر همین اساس است که طرفداران سرایت اجرا به دلایلی جز سیره و روایت استناد کرده‌اند. مثلاً در یکی از عبارات فقهی آمده است: «قد ذکر جمع من فقهاء نا آئه إذا أراد الوالی ضرب الزانی أو رجمه، ینبغی له أن یشعر الناس بالحضور، لما فیہ من الإعتبار و الإنزجار من فعل القبیح، كما تقتضیه حکمة الحدود» (موسوی اردبیلی، ۱۴۲۷ق، ج ۱: ص ۵۸۸).

در عبارت بالا دو نکته قابل تأمل است: نخست اینکه، از ظاهر عبارت بر می‌آید که تعدادی از فقیهان اجرای علنی را مطرح کرده‌اند و در نتیجه می‌توان گفت این نظر مخالفانی هم دارد؛ دوم، عبارت بالا ناظر به جرم زناست که البته دلیل کافی - به شرحی که گذشت - بر علنی بودن آن داریم و اختلاف در امکان سرایت دادن این حکم به حدود دیگر است. فقیه یاد شده، امکان سرایت را بر اساس حکمت حدود مطرح می‌کند. روشن است که حکمت حکم، برخلاف علت، دلیل کافی برای سرایت به‌شمار نمی‌رود.

به همین دلیل است که عده‌ای کوشیده‌اند تأثیر اجرای علنی حد بر کاهش جرائم را

۱. آنچه گفته شد، بر مبنای حکم اولی و برداشت از روایات و آرای فقهی است. برای مطالعه در اجرای علنی حدود از نظر حکم ثانوی، ر.ک: حسینی اشکوری و دارابی، ۱۳۹۳: ص ۳۹ به بعد.

بر اساس آنچه در جامعه می‌گذرد، مطرح سازند (ر.ک: کعبی و الهام و مقتدایی، ۱۳۸۰) و برخی علنی بودن را شرط بازدارندگی دانسته (مقیمی حاجی، بی تا: ص ۱۳۷) و در تأیید سخن خود، به تصریح برخی مقامات قضایی بر کاهش جرائم به واسطه اجرای علنی حد استناد کرده‌اند (همان: ص ۱۴۲).

در مقابل می‌توان گفت تأکید بر علنی بودن و سرایت دادن آن به همه حدود به اقتضای حکمت و تلاش در ارائه شواهد عینی در جامعه چنین اشکالاتی دارد: نخست، فاقد دلیل فقهی قابل قبول است و استناد به حکمت برخلاف علت، چنان که اشاره شد، دلیل کافی به شمار نمی‌آید؛ دوم، همان گونه که برخی بر کاهش جرائم و تأثیر مثبت اجرای علنی حد در جامعه تأکید دارند، کسانی هم مخالفت کرده و اجرای علنی حد را از موجبات تنفر از دین در جامعه جهانی دانسته‌اند. به بیان دیگر، به دلیل مخالفت‌ها و موافقت‌ها با اجرای علنی حدود و بدون ارائه مستند کافی از آیات و روایات، نمی‌توان از علنی بودن دفاع کرد و با قطع و یقین از پیامدهای مثبت آن سخن گفت.

از این رو، مراجعه دوباره به آرای فقهی مخالف و موافق در این باره نشان می‌دهد که در نهایت، نظر مخالف با اجرای علنی حد به دلیل موافق احتیاط بودن راجح به نظر می‌رسد. بر همین اساس، در ادامه، نخست کیفیت و معیار تحقق علنی بودن را مطرح می‌کنیم؛ سپس نظریه یادشده را با توجه به مقررات پی می‌گیریم.

۳. کیفیت و معیار علنی بودن حد

پس از آنکه روشن شد علنی بودن حد به جرم زنا اختصاص دارد و مستندات علنی بودن حدود برای توسعه آن به همه حدود کافی نیست، دو مطلب دیگر نیز در اجرای علنی مجازات‌های حدی کاربرد اساسی دارد: یکی مستحب یا واجب بودن اجرای علنی و دیگری حداقل افراد لازم برای علنی بودن.

درباره اینکه علنی بودن امری لازم است یا مستحب، برخی فقیهان بر استحباب حضور عده‌ای تصریح کرده‌اند (شیخ طوسی، ۱۴۰۷ق «الف»، ج ۵: ص ۳۷۴؛ همو، ۱۳۸۷ق، ج ۸: ص ۸؛ فاضل لنکرانی، ۱۴۲۲ق: ص ۲۳۵). برخی نیز از عبارت «ینبغی» استفاده کرده‌اند (مانند: فاضل هندی،





۱۴۱۶ق، ج ۱۰: ص ۴۵۶) که به اعتقاد برخی، هم با وجوب سازگار است و هم با استحباب (علامه حلی، ۱۴۱۳ق، ج ۹: ص ۱۶۹). همچنین، تعدادی حضور مردم را واجب دانسته‌اند (مانند: ابن‌ادریس حلی، ۱۴۱۰ق، ج ۳: ص ۴۵۳؛ تبریزی، ۱۴۱۷ق: ص ۱۴۹؛ گلپایگانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱: ص ۴۲۸؛ خوئی، ۱۴۲۲ق، ج ۴۱: ص ۲۶۹). برخی هم معتقدند لزوم یا استحباب حضور مردم از هیچ‌یک از ادله شرعی به دست نمی‌آید (حسینی اشکوری و دارابی، ۱۳۹۳: ص ۳۹).

مستند فقیهان در این باره واژه «وَلَيْشَهْدُ» در آیه شریفه است که به دلیل ظهور امر در وجوب، آن را واجب دانسته‌اند.^۱ این در حالی است که با توجه به مکروه بودن حضور در صحنه اجرای علنی حدود (که در برخی روایات بدان اشاره شده و نمونه‌ای از آن گذشت) و نیز به دلیل آنکه حضور افراد شرط اجرای حد نیست، می‌توان گفت آیه در مقام تعیین تکلیف الزامی نیست. در این حد که معلوم شود حدی جاری شده است، آیه در مقام امر به حضور است و دلیل بر اعلام و حضور همگانی و رسانه‌ای کردن اجرای حد نمی‌شود.^۲ از این رو، آیه می‌تواند ناظر به رفع منع از حضور یا استحباب حضور باشد و الزاماً تکلیف به وجوب از آن به دست نمی‌آید.^۳

اگر هم امر را ناظر به وجوب بدانیم (چنان که در جای خود بحث شده است)، قانونگذار در مقام تقنین ملزم به تبعیت از آن نیست و می‌تواند فتوایی را برای قانون برگزیند که کارآمدی بیشتری دارد.

نکته قابل توجه دیگر پرداختن به این پرسش است که علن با حضور چند نفر معنا پیدا می‌کند؟ محقق حلی در پاسخ به این پرسش می‌نویسد:

۱. در اینجا نیز برخی امر به حضور مؤمنان را قید احترازی و به معنای منع از حضور غیر مؤمنان دانسته‌اند (حسینی اشکوری و دارابی، ۱۳۹۳: ص ۲۸، به نقل از فاضل مقداد، ۱۴۱۹ق، ج ۲: ص ۳۴۲).
۲. حتی برخی احتمال داده‌اند قید مؤمنان در آیه، مانعی برای امکان اجرای حد در انظار عموم به شمار آید (حسینی اشکوری و دارابی، ۱۳۹۳: ص ۳۲).
۳. گویا بر همین اساس است که صاحب وسائل الشیعه استحباب حضور شاهدان را از روایات برداشت کرده است و بابتی را تحت عنوان «بَابُ أَنَّهُ يُسْتَحَبُّ أَنْ يُؤَلَّى الشُّهُودُ الْخُلُودَ» بدان اختصاص می‌دهد (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۸: ص ۵۸).

فقال قوم واحدة، و هو المروى عن الباقر عليه السلام و ابن عباس. و قال قوم اثنان، و هو المروى عن عكرمة. و قال بعض أهل التفسير: ثلاثة، ذكره الطبرسى فى تفسيره و قال آخرون: أربعة، و هو المحكى عن الشافعى و قال شيخنا رحمته الله: عشرة، ذكر ذلك فى الخلاف و به قال الحسن البصرى (محقق حلى، ۱۴۱۲ق، ج ۳: ص ۳۰۰-۳۰۱).

از آنجا که استدلال‌های هریک از اقوال در جای خود به تفصیل ذکر شده است (برای نمونه ر.ک: فاضل هندى، ۱۴۱۶ق، ج ۱۰: ص ۴۵۶؛ صاحب جواهر، ۱۴۰۴ق، ج ۴۱: ص ۳۵۳ به بعد)، به چند نمونه بسنده می‌کنیم:

در استدلال بر اینکه با حضور یک نفر هم «طائفه» محقق می‌شود، گفته‌اند: «... أن أقل الطائفة واحد و الأمر إذا ورد مطلقاً إنما يحمل على أقل حقائقه لأصل البراءة من الزائد» (فخرالمحققین، ۱۳۸۷ق، ج ۴: ص ۴۸۲). این در حالی است که برخی دیگر با نقد مراجعه به لغت و اصول عملیه، معیار را برداشت عرف دانسته و براساس آن نوشته‌اند: «و من المعلوم أن الطائفة بحسب المتفاهم العرفی لا تستعمل فی الواحد بل لا أقل من الثلاثة و هذا هو المرتکز فی الأذهان لو لا دلیل صارف عن ذلك» (گلپایگانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱: ص ۴۲۹). گروهی نیز براساس کاربرد واژه «طائفه» در ادبیات فقهی و قرآنی کوشیده‌اند تعداد لازم برای تحقق طائفه را بیان کنند (برای مطالعه، ر.ک: روحانی مقدم، ۱۳۸۴: ص ۸۸؛ همچنین برای اطلاع از استدلال‌های دیگر، ر.ک: حسینی اشکوری و دارابی، ۱۳۹۳: ص ۲۸ به بعد). برخی نیز طائفه و حضور مؤمنان در آیه را به حضور چند شاهد تعبیر کرده و آورده‌اند:

من عقیده دارم که این آیه در اصل، مطلب دیگری می‌گوید. قضیه این است که این کار اجرا شود و چند نفری هم شهادت دهند. بنابراین، بحث ملأعام و عبرت و حالت ارباب و... نیست، بلکه مسئله شهادت است که در واقع، از یک جهت به نفع متهم است؛ برای این که ادعا نشود حد بر او جاری نشده و بار دیگر بر او حد بزنند (محقق داماد، ۱۳۸۰: ص ۲۳).

نکته دیگر این است که بر فرض لازم بودن اجرای علنی حد، باید به حداقل افراد اکتفا کرد یا احتیاط در دعوت و حضور افراد بیشتر است؟ برخی مقتضای احتیاط برای





حصول برائت را در حضور تعداد بیشتر دانسته‌اند (محقق حلی، ۱۴۱۲ق، ج ۳: ص ۳۰۰). این در حالی است که از طرف دیگر می‌توان گفت از آنجا که علنی شدن مجازات خود کیفر مضاعف است، بر فرض لزوم علنی بودن، باید به کمترین مقداری که علن را محقق می‌سازد اکتفا کرد. در نتیجه، اعلام عمومی و حضور حداکثری نه تنها مطلوب نیست، بلکه - به شرحی که گذشت - می‌تواند با مانع فقهی هم همراه باشد.

۴. قانون و اجرای علنی حدود

اصل «قانونی بودن جرم و مجازات» از اصول انکارناپذیر در حقوق کیفری است. یکی از پیامدهای پذیرش این قاعده، لزوم تفسیر مضیق یا تفسیر قانون به نفع متهم است. به نظر می‌رسد با ابهامی که در نحوه نگارش قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ وجود دارد، با توجه به اصل یادشده باید ملتزم شد که قانون مذکور به صورت غیرمستقیم از اجرای علنی حدود منع کرده است. به عبارت دیگر، اجرای علنی حد پس از تصویب قانون جدید با منع قانونی همراه است.

توضیح اینکه، قانون حدود و قصاص و مقررات آن (مصوب ۳ شهریور ۱۳۶۱) در ماده ۱۱۴ از امکان اجرای علنی حدود سخن گفته بود و مقرر می‌کرد: «هرگاه زنای شخصی که دارای شرایط احسان است با اقرار او ثابت شود، هنگام رجم اول حاکم شرع سنگ می‌زند بعداً دیگران و اگر زنای او به شهادت شهود ثابت شود اول شهود سنگ می‌زند بعداً حاکم و سپس دیگران». در این مقرر عبارت دیگران و حضور شاهد به صورت ضمنی بر علنی بودن اجرای حد زنا اشاره داشت. با این حال، به جز زنا، قانونگذار در حدود دیگر در مقام بیان نحوه اجرای حدود راجع به حضور یا عدم حضور افراد سخنی نگفته و آن را مسکوت نهاده بود.

از آنجا که این مقرر بر گرفته از آرای فقهی بود و در فقه - چنان که اشاره شد - نخست قواعد حاکم بر حدود را در باب زنا بررسی کرده و آنگاه آن را به حدود دیگر تسری می‌دهند، پذیرش امکان اجرای علنی حدود در زنا می‌توانست به رغم سکوت

قانون به معنای پذیرش آن در اجرای همه حدود به شمار آید. از این رو، امکان تفسیر سکوت قانون با مراجعه به فقه و با استفاده از راهکار ارائه شده در اصل ۱۶۷ قانون اساسی^۱ فراهم بود.

در بازنگری قانون مذکور در سال ۱۳۷۰، ماده ۹۹ قانون مجازات اسلامی با اندکی تغییر همان عبارت قبلی را متن قانون قرار داد و مقرر کرد:

هرگاه زنای شخصی که دارای شرایط احصان است با اقرار او ثابت شده باشد هنگام رجم، اول حاکم شرع سنگ می زند بعداً دیگران، و اگر زنای او به شهادت شهود ثابت شده باشد اول شهود سنگ می زنند بعداً حاکم و سپس دیگران.

تبصره. عدم حضور یا اقدام حاکم و شهود برای زدن اولین سنگ مانع اجرای حد نیست و در هر صورت حد باید اجرا شود.

در واقع، این ماده نیز در مجازات رجم از علنی بودن سخن گفته بود و به شرحی که گذشت، امکان تسری این نظریه به حدود دیگر وجود داشت؛ هرچند در این قانون نیز در حدود دیگر از حضور مردم در اجرای حد سخنی به میان نیامده بود. به بیان دیگر، با تصویب قانون یادشده، اجرای علنی حدود نه تنها منع قانونی نداشت، بلکه لزوم اجرای علنی با ظاهر ماده قانونی یادشده هماهنگ تر بود.

در بازنگری اخیر قانون مجازات اسلامی در سال ۱۳۹۲، قانون سابق دستخوش تغییر اساسی شد و راجع به علنی یا غیرعلنی بودن اجرای حدود در هیچ یک از حدود سخنی به میان نیامد و به نوعی به رغم وجود قانون سابق، عملاً قانونگذار سکوت اختیار کرد. نکته قابل توجه دیگر آن است که در تحریر الوسیله - که مبنای نگارش قانون مجازات اسلامی تا سال ۱۳۹۲ است - در مسئله مورد بحث آمده است: «ینبغی للحاکم إذا

۱. این اصل مقرر می کند: «قاضی موظف است کوشش کند حکم هر دعوا را در قوانین مدونه بیابد و اگر نیابد با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر، حکم قضیه را صادر نماید و نمی تواند به بهانه سکوت یا نقص یا اجمال یا تعارض قوانین مدونه از رسیدگی به دعوا و صدور حکم امتناع ورزد».





أراد إجراء الحد أن يعلم الناس ليجتمعوا على حضوره، بل ينبغي أن يأمرهم بالخروج لحضور الحد، والأحوط حضور طائفة من المؤمنين ثلاثة أو أكثر...» (امام خمینی، بی تا، ج ۲: ص ۴۶۶ و ۴۶۷).

بر این اساس، می توان گفت از آنجا که حضرت امام علیه السلام حضور را از باب احتیاط مطرح می کند و آن را الزامی نمی داند، در قوانین سابق هم الزامی بر اجرای علنی حد نبود و در قانون فعلی که عبارت ظاهر در علنی بودن حد حذف شده، به طریق اولی می توان گفت نظر قانونگذار بر عدم اجرای علنی حد منطبق است و اجرای علنی حد دست کم با ظاهر قانون منافات دارد.

به بیان دیگر، پس از آنکه قانونگذار بر اجرای علنی حد در قانون سابق تصریح داشته است، با عنایت، این تصریح را در مقررات اخیر بر می دارد. در این صورت، سکوت قانون در واقع، بیانی است بر عدم جواز و دیدگاه عدم جواز اجرای علنی حد با قانون فعلی هماهنگی و سازگاری بیشتری دارد.

جمع بندی و نتیجه گیری

به رغم اختلاف آرای فقهی در گستره علنی بودن اجرای حدود، با توجه به نبود دلیل کافی بر تسری علنی بودن اجرای حد از زنا به جرائم دیگر، نظر راجح اختصاص علنی بودن حد به مصداق آیه شریفه «وَلْيَشْهَدْ عِدَابَهُمَا طَائِفَةٌ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ» (نور: ۲) است و ادله ای که از روایات و اصول عملیه در این باره ارائه شده، دلالت کافی بر این تسری ندارند.

در اینکه علنی بودن امری واجب است یا مستحب، هر گروه ادله ای برای نظر خود اقامه کرده اند. به نظر می رسد با توجه به مطلوب نبودن اعلام عمومی از نظر شرع و کراهت حضور برای مشاهده اجرای حد طبق برخی روایات، در نهایت از آیه جواز یا استحباب استفاده می شود و نباید امر در آیه را به وجوب حمل کرد.

نکته قابل توجه دیگر لزوم اکتفا بر حداقل افرادی است که می تواند در نهایت از نظر عرف، مصداق علن به شمار آید. رسانه ای کردن و دعوت از عموم مردم برای مشاهده

اجرای حد و پخش فیلم اجرای حد و امثال آن نه تنها مطلوب شرع نیست، بلکه به دلیل تحمیل مجازات مضاعف بر مرتکب جرم و نادیده گرفتن آبروی مسلمان می تواند با منع شرعی همراه باشد.

گذشته از بحث فقهی، از آنجا که قانونگذار با وجود اصرار بر حضور مردم در مقررات قبل، در بازنگری قانون درباره آن سکوت کرده است، از سکوت بعد از بیان به اضافه اصل قانونی بودن جرم و مجازات و لزوم تفسیر قوانین به نفع متهم می توان چنین برداشت کرد که در حال حاضر اجرای علنی کیفر حد برخلاف نظر قانونگذار است و با توجه به بیان تلقی شدن سکوت فعلی، نمی توان آن را از مصادیق سکوت و قابل مراجعه به شرع به استناد اصل ۱۶۷ قانون اساسی به شمار آورد.



کتابنامه

۱. ابن ادريس حلی، محمد بن منصور (۱۴۱۰ق)، السرائر الحاوی لتحرير الفتاوى، سه جلدی، ج ۳، چ ۲، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲. تبریزی، جواد بن علی (۱۴۱۷ق)، أسس الحدود و التعزیرات، یک جلدی، چ ۱، قم: دفتر مؤلف.
۳. حاجی حسینی، حسین (۱۳۹۴)، «بررسی مستندات اجرای علنی حدود در فقه شیعه»، رسائل، ش ۳، ص ۷۰-۹۱.
۴. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، وسائل الشیعة، سی جلدی، ج ۲۸، چ ۱، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۵. حسینی اشکوری، سیدعلی و بهنام دارابی (۱۳۹۳)، «اجرای علنی مجازات‌ها از دیدگاه فقه مقارن و تأثیر مقتضیات زمان»، فقه مقارن، س ۲، ش ۳، ص ۲۵-۴۴.
۶. خمینی (امام)، سید روح الله موسوی (بی تا)، تحرير الوسيلة، دو جلدی، ج ۲، چ ۱، قم: مؤسسه مطبوعات دارالعلم.
۷. خوئی، سیدابوالقاسم موسوی (۱۴۲۲ق)، مبانی تکملة المنهاج، دو جلدی، ج ۴۱، چ ۱، قم: مؤسسه احیاء آثار الإمام الخوئی علیه السلام.
۸. روحانی مقدم، محمد (۱۳۸۴)، «پژوهشی پیرامون اجرای علنی حدود و تعزیرات»، پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، پیش شماره ۳، ص ۸۳-۹۸.
۹. شیخ طوسی (محمد بن حسن) (۱۳۸۷ق)، المبسوط فی فقه الإمامیه، هشت جلدی، چ ۳، تهران: المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية.
۱۰. _____ (۱۴۰۷ق «الف»)، الخلاف، شش جلدی، ج ۵، چ ۱، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۱. _____ (۱۴۰۷ق «ب»)، تهذیب الأحكام، ده جلدی، چ ۴، تهران: دار الکتب الإسلامية.
۱۲. صاحب جواهر (محمدحسن نجفی) (۱۴۰۴ق)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، چهل و سه جلدی، ج ۴۱، چ ۷، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۳. علامه حلی (حسن بن یوسف بن مطهر) (۱۴۱۳ق)، مختلف الشیعة فی أحكام الشریعة، نُه جلدی، ج ۹، چ ۲، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۴. فاضل لنکرانی، محمد (۱۴۲۲ق)، تفصیل الشریعة فی شرح تحرير الوسيلة: الحدود، یک جلدی، چ ۱، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام.



۱۵. فاضل مقداد (مقداد بن عبدالله سیوری حلی) (۱۴۱۹ق)، کنز العرفان فی فقه القرآن، ج ۲، قم: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.
۱۶. فاضل هندی، محمد بن حسن (۱۴۱۶ق)، کشف اللثام و الإبهام عن قواعد الأحكام، یازده جلدی، ج ۱۰، چ ۱، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۷. فتحی، حجت الله (۱۳۸۱)، «بررسی فقهی - حقوقی اجرای علنی حدود و گستره آن»، رواق اندیشه، ش ۸، ص ۸۹-۱۰۲.
۱۸. فخرالمحققین (محمد بن حسن بن یوسف حلی) (۱۳۸۷ق)، ایضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد، چهار جلدی، ج ۴، چ ۱، قم: اسماعیلیان.
۱۹. فلاح، حسن و احمد چالی بابلی (۱۳۸۶)، «اجرای علنی حدود و مجازات‌ها از منظر عقل و نقل»، پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، ش ۸، ص ۲۵۱-۲۶۴.
۲۰. قربان‌نیا، ناصر (۱۳۸۰)، «اجرای مجازات؛ آشکار یا پنهان»، نامه مفید، ش ۳، ص ۵۸-۶۶.
۲۱. کعبی، عباس؛ غلام‌حسین الهام؛ [مرتضی] مقتدایی (۱۳۸۰)، «میزگرد اجرای علنی حدود و پیامدهای آن»، معرفت، ش ۴۹، ص ۷-۱۵.
۲۲. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۲۹ق)، الکافی، پانزده جلدی، چ ۱، قم: دار الحدیث للطباعة و النشر.
۲۳. گلپایگانی، سیدمحمد رضا موسوی (۱۴۱۲ق)، الدر المنضود فی أحكام الحدود، سه جلدی، ج ۱، چ ۱، قم: دار القرآن الکریم.
۲۴. محقق حلی (جعفر بن حسن) (۱۴۱۲ق)، نکت النهایة، سه جلدی، ج ۳، چ ۱، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۵. محقق داماد، سیدمصطفی و سیدحسین سادات حسینی (۱۳۸۰)، «چشم‌اندازی بر حدود و اجرای علنی آن» (مصاحبه)، الهیات و حقوق، ش ۲، ص ۹-۲۶.
۲۶. مقیمی حاجی، ابوالقاسم (۱۳۸۶)، «فلسفه مجازات در اسلام (۱)»، فقه اهل بیت (علیهم‌السلام)، ش ۵۱، ص ۱۰۶-۱۴۷.
۲۷. موسوی اردبیلی، سیدعبدالکریم (۱۴۲۷ق)، فقه الحدود و التعزیرات، چهار جلدی، ج ۱، چ ۲، قم: مؤسسه النشر لجامعه المفید.
۲۸. مؤمن قمی، محمد (۱۴۲۲ق)، مبانی تحریر الوسیلة: کتاب الحدود، یک جلدی، چ ۱، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (علیه‌السلام).

